

راه‌نمای ویرایش متون آموزش

نشانه‌گذاری - بخش یکم

دکتر حسین داودی

اشاره

نشانه‌گذاری صحیح و دور از افراط و تفریط، انضباط متنسی ایجاد می‌کند و موجب تسهیل در قرائت و فهم جمله و عبارت می‌شود.

آنچه از نظر تان می‌گذرد، فصلی از فصول کتاب «راه‌نمای ویرایش متون آموزشی» است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آن را چاپ و به صورت محدود و درون‌سازمانی منتشر کرده است.

انتظار می‌رود دبیران محترم زبان و ادبیات فارسی این می‌بخت را، که در اثربخشی و تأثیرگذاری آن تردیدی نیست، مورد توجه قرار دهند و نقدها و پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی خود درباره آن را برای مجله بفرستند تا در چاپ بعدی کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

(با توجه به محدودیت صفحات مجله، این مجموعه در دو بخش چاپ می‌شود.)

نشانه‌گذاری در متون آموزشی

یکی از بخش‌های مهم ویرایش املائی - فنی متون آموزشی به‌کارگیری صحیح علائم در نشانه‌گذاری است که، با توجه به ملاحظات آموزشی، ویژگی‌ها و پیام‌هایی به شرح زیر دارد:

یکم: «سجاوندی»^۱، «فصل و وصل» و «نقطه‌گذاری» عنوان‌های دیگری است که به این مبحث داده‌اند و صاحب‌نظران به کار برده‌اند. اما گزینه

ترجیحی این راهنما نشانه‌گذاری است. **دوم:** امساک در به‌کارگیری علائم نشانه‌گذاری توصیه عموم اهل قلم و اهل ویرایش است و در اینجا نیز توصیه می‌شود. در عین حال، استفاده بیشتر از بعضی از آن‌ها برای رفع ابهام و بدخواهی و بدفهمی محتوای آموزشی، قابل دفاع است.

برای مثال، به کاربردن **ویرگول** بین ارکان جمله صحیح نیست اما نظر به اینکه معمولاً در خط فارسی نقش نمای اضافه (کسره اضافه) - جز در مواردی خاص - رعایت نمی‌شود، گاهی به کاربردن ویرگول ضرورت می‌یابد:

(-) کتاب دوست ماست.^۲
(+) کتاب، دوست ماست.

بدیهی است، در جایی که این ابهام ایجاد نمی‌شود، ویرگول زائد خواهد بود: (-) دریا، شمال ایران را سرسبز کرده است. دانشجو، پژوهش را ادامه داد.

(+) دریا شمال ایران را سرسبز کرده است. دانشجو پژوهش را ادامه داد.

مثال دیگر به‌کاربردن پرانتز است در جایی که می‌توان با دو نیم‌خط نیز نشانه‌گذاری را اعمال کرد، ولی پرانتز، متن را برای مخاطب و خواننده کوتاه‌تر می‌کند:

(+) در یکی از جلسات (احتمالاً بعضی از شما در آنجا حضور داشتید)، این موضوع را به تفصیل توضیح داده‌ام.

سوم: در متن‌های پژوهشی، علمی و دانشگاهی، گاه ملاحظه می‌شود بند (پاراگراف)ها طولانی است و نویسنده

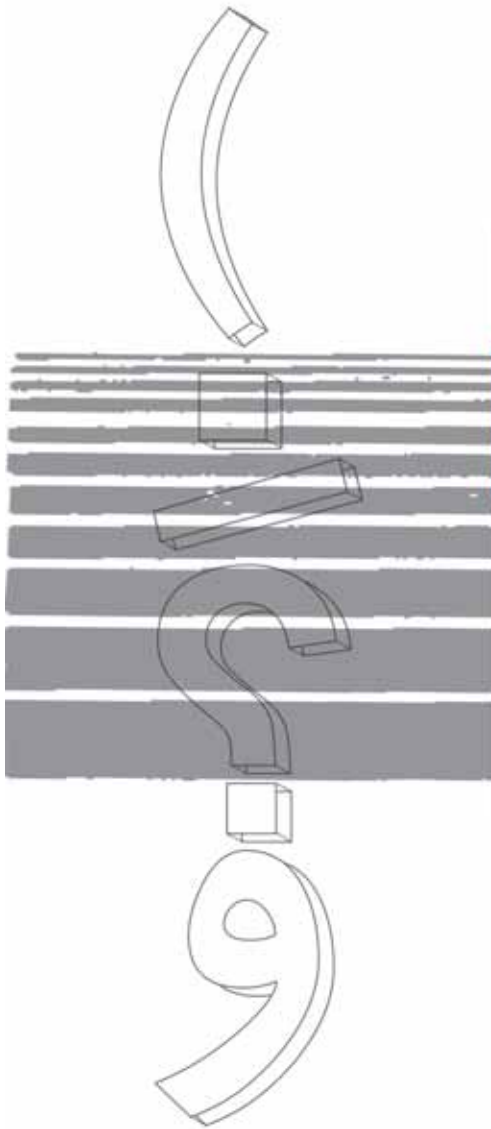
یا ویراستار وحدت موضوع را عامل آن می‌داند. در متون آموزشی توصیه می‌شود به کمک علائم نشانه‌گذاری و تفکیک صوری متن، از طولانی شدن بندها بکاهند.

چهارم: به کارگرفتن این علائم و پایبندی به اصول صفحه‌آرایی، که در متون سنتی به شکل فعلی سابقه نداشته، خواه ناخواه صفحات متن را بیشتر و به تبع آن صرف وقت، هزینه کاغذ و... را نیز بیشتر کرده است. در عین حال، چه مدافعان خط سنتی و چه مدافعان خط چاپی و رایانه‌ای سودمندی و ضرورت نشانه‌گذاری و توسعه آن را تأیید کرده‌اند و چنین تبعاتی را از مصادیق افراط و اسراف ندانسته‌اند.

پنجم: در تدوین این بخش، مبحث نشانه‌گذاری دائرةالمعارف به سرپرستی غلامحسین مصاحب (ج ۱، صص ۷۲-۶۴) محور قرار گرفته است. علاوه بر آن، به دلیل حساسیت متون آموزشی و ضرورت ارائه مطالبی جامع‌الاطراف، به آثار و منابع دیگر هم مراجعه شد و در هر کدام نکاتی تکمیلی به نظر رسید و به آن اضافه گردید و در پایان نکته‌های آموزشی کارشناسان مجرب سازمان نیز افزوده شد.

نقش‌های عمده علائم نشانه‌گذاری

۱. مقایسه صوری یک صفحه از نسخه‌های خطی قدیم با یک صفحه



ویرگول، دو نقطه، تعلیق، نقل قول، پرانتز)، نسبت به کلمه قبل آن‌ها با رعایت «نیم‌فاصله» و نسبت به کلمه بعد آن‌ها با رعایت (تمام فاصله) توصیه می‌شود. با استفاده از قابلیت دقیق و تکنیکی صنعت چاپ و رایانه این توصیه تحقیق‌پذیر است، مثال:

(+) _____، _____

(-) _____، _____

(-) _____، _____

یادآوری: جایگاه علامت قلاب [] با علائم یاد شده اندکی متفاوت است. توضیح اینکه طرفین بیرونی آن‌ها (نسبت به کلمه قبل در اولی و کلمه بعد در دومی) معمولاً با فاصله کامل: []- و طرفین داخلی آن‌ها (نسبت به کلمه داخلی) با نیم‌فاصله حروف‌نگاری می‌شوند [—]

نقطه (.)، وظیفه اصلی: درنگ کامل: این علامت وقف کامل^۸ را نشان می‌دهد و در پایان یک جمله مستقل یا جانشین آن می‌آید. به عبارت دیگر، هرگاه اسناد (مسندآلیه و مسند و رابطه) تحقق یابد نقطه گذاشته می‌شود:

- حافظ بزرگ‌ترین شاعر در سرودن غزل عارفانه است. (خبری)

- کار امروز را به فردا می‌فکن. (امری)

- کدام کارگاه آموزشی سودمندتر بود؟ (پرسشی)

- چه تحلیل قوی و کارشناسانه‌ای! (تعجبی)^۹

- چه کسی بزرگ‌ترین شاعر غزل عارفانه در ایران است؟

دست‌نویست یا چاپی نشانه‌گذاری شده، صرف نظر از محتوای آن‌ها، بیانگر نقش این علائم در چینش بهتر کلمات و سامان‌دهی و فضاسازی چشم‌نواز سطرهای هر صفحه است.

۲. این علائم، که در شکل‌گیری اجزای جمله و عبارت جایگاهی هوشمندانه دارند، نشان‌دهنده روابط دستوری آن‌ها به اختصار و به‌صورتی نمادین است.

۳. مکتب بیش از معمول کلمات و تعلیق آن‌ها، آهنگ افتان و خیزان جملات (خبری، امری، پرسشی و تعجبی) و سایر عوامل لحن کلام که در زبان گفتار اعمال می‌شود، در زبان نوشتار با این علائم به خواننده و بیننده متن منتقل می‌گردد.

۴. رفع ابهام در خواندن جمله یا عبارت یا مانع شدن از تداخل مطالب، عمدتاً با این علائم عملی خواهد بود.

۵. این علائم موجب صرفه‌جویی زبانی می‌شوند (از جمله در فیلم‌نامه‌ها، رمان‌ها...):

الف. به دوستم گفتم جای میل داری؟ دوستم گفت: آری، متشکرم.

ب. جای؟

- متشکرم.

۶. شفاف‌سازی در خصوص اصلی و فرعی بودن جملات، نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم، الحاقی بودن کلمه یا جمله در عبارت، تردیدهای مربوط به صحت مطلب و... با این نشانه‌ها امکان‌پذیر است.

۷. ارجاع به مطالب و منابع دیگر، همچنین معنی‌دار ساختن اختصاری‌ها با این علائم عملی است.

۸. این علائم به کارگیری حروف اضافه (نقش‌نماها) از جمله عطف و ربط را به حداقل می‌رسانند.

علائم نشانه‌گذاری

نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت تعلیق، علامت نقل قول، خط (خط فاصله، نیم‌خط فاصله) نقش اصلی دارند. علائم دیگر نیز عبارت‌اند از: پرانتز، قلاب، خط مورب، پیکان، ستاره، خط منتهی، ابرو (خط تاب‌دار)، علامت بند (پاراگراف) خط موازی، علامت تکرار، علائم هندسی و خط مساوی^{۱۰}.

تبصره: جایگاه این علائم (نقطه، سؤال، تعجب،



نخواهید داشت.

(+) این توضیحات برای امروز کافی است؛ و اضافه کنم... (یا: کافی است و اضافه کنم...)

- علامت سؤال (?) وظیفه اصلی: پرسش (نام‌های دیگر: نشانه پرسش، پرسش‌نما)

این علامت پس از هر جمله استفهامی یا استفهام انکاری می‌آید:

کجا بودی؟ آیا نور با ظلمت مساوی است؟
در نقل مستقیم یک جمله پرسشی یا خواهش مؤدبانه، علامت آن محفوظ می‌ماند:

آیا برج ایفل را دیده‌ای؟ اجازه می‌دهید پذیرایی را شروع کنیم؟

در نقل غیرمستقیم چنین جملاتی علامت پرسشی آن‌ها حذف می‌شود:

(-) از من پرسید که آیا برج ایفل را دیده‌ام؟
به حاضران گفت آیا اجازه می‌دهند پذیرایی را شروع کند؟

(+) از من پرسید آیا برج ایفل را دیده‌ام. به حاضران گفت آیا اجازه می‌دهند پذیرایی را شروع کند.

گاهی برای رسانیدن حدس و گمان یا تردید، از این علامت در داخل پرانتز استفاده می‌کنیم:

جمعیت این آبادی ۱/۲۵۹ (؟) نفر است.
چند جمله پرسشی و متوالی، علامت سؤال جداگانه می‌گیرند:

در این هفته چند فصل کتاب را خوانده‌ای؟
چند مسئله را حل کرده‌ای؟ و چند بار از خود آزمون‌ها استفاده کرده‌ای؟

در صورتی که پرسش‌ها کوتاه‌تر و تأکید بر آن‌ها کلی باشد، علامت سؤال فقط در آخر به کار می‌رود:

چه دیدی، چه فهمیدی و چه برداشت کردی؟

- علامت تعجب (!) وظیفه اصلی: نمایاندن عاطفه (نام‌های دیگر: علامت عاطفه، علامت خطاب و هیجان‌نما)

علامت تعجب، و به تعبیر بهتر علامت عاطفه و خطاب، پس از اصوات، یا پس از یک جمله یا پس از جزئی از جمله، به منظور افاده تأکید، تحذیر، دعا، نفرین، تعجب یا عاطفه شدید به کار می‌رود:

افسوس! دیگر کار از کار گذشته است. حاشا! آفرین!

چه داستان عبرت‌آموزی! چه هوای خوشی!

- حافظ. (جانشین جمله مستقل)
همچنین در مختصرنویسی اسامی و عناوین پس از حرف یا حروف نماینده آن‌ها می‌آید:
ع. اقبال آشتیانی (= عباس اقبال آشتیانی)
س. م. م. (= سازمان ملل متحد)
ژ. روسو (= ژان ژاک روسو)
تبصره: در موارد زیر، به افزودن نقطه نیازی نیست:
- پس از ص (ت صفحه)، س (= سطر)، ج (= جلد)، قس (= قیاس کنید)، ر ک (= رجوع کنید)؛
- پس از ش (= شمسی)، ق (= قمری)، م (= میلادی)، ه (= هجری)؛
- پس از پانوشته‌هایی که به صورت جمله نیستند؛

(-) گلستان سعدی، باب دوم، ص ۱۶.
(+) گلستان سعدی، باب دوم، ص ۱۶
پس از عنوان (اصلی و فرعی) کتاب، مقاله، فیلم و مانند این‌ها، حتی اگر این عنوان‌ها جمله کامل باشند:
(-) دیوانه از قفس پرید.
(+) دیوانه از قفس پرید
در جمله‌ای که جمله بعد از آن با «و» شروع می‌شود:

(-) این توضیحات برای امروز کافی است. و اضافه کنم برای حل مسائل درس مشکلی

علامت تعجب، و به تعبیر بهتر علامت عاطفه و خطاب، یا پس از اصوات، یا پس از یک جمله یا پس از جزئی از جمله، به منظور افاده تأکید، تحذیر، دعا، نفرین، تعجب یا عاطفه شدید به کار می‌رود

چقدر بزرگ شده است! مواظب باش! زود باش! خدا نگاهدارت! زنده باد! مرده باد!

تبصره ۱: اگر جمله فاقد تأکید عاطفی باشد، نیازی به استفاده از این علامت نیست:

با درد و افسوس آنچه لازم بود گفتم. فرزندانم، مواظب باش چترت را در کلاس جا نگذاری.

شعارهای زنده باد و مرده باد را باید با شعور و آگاهی همراه کرد.

تبصره ۲: علامت خطاب در جایی به کار می‌رود که مخاطب مهم و مورد تأکید باشد.

آقای رئیس! حضار محترم! در غیر این صورت از علامت ویرگول استفاده می‌کنیم.

آقای محترم، صف را رعایت کنید. برادر، به فکر برادرت باش.

تبصره ۳: اگر جمله‌ای پرسش و تعجب را با هم داشت از (!؟) استفاده می‌شود:

با قهرمان جدید چه می‌کنید؟! **توضیح:** از به کاربردن نشانه‌های مکرر سؤال و تعجب باید پرهیز کرد: (-) واقعاً پذیرایی کردند!!! (+) واقعاً پذیرایی کردند!

ویرگول (،) وظیفه اصلی: درنگ کوتاه (نام‌های دیگر: بند، کاما،

درنگ‌نما): ویرگول، پرکاربردترین علامت نشانه‌گذاری است. گاه برخی ویراستاران جوان تصور می‌کنند هر جا در جمله مکث باشد باید به تبعیت از لحن کلام ویرگول به کاربرد که صحیح نیست و به تعبیر و طنز اهل ویرایش، **ویراستار نباید صرفاً ویرگولستار باشد!**

ویرگول در موارد زیر به کار می‌رود: پس از منادا. معلم: آقای یزدانی، درس را توضیح دهید.

(اگر منادا مورد تأکید باشد - همان‌طور که قبلاً گفته شد - از علامت خطاب استفاده می‌شود: حضار محترم!)

بین دو کلمه‌ای که ممکن است با نقش‌نمای اضافه (کسره اضافه) خوانده شوند:

(-) باغ سیب فراوان دارد.

(+) باغ، سیب فراوان دارد.

(اگر نقش‌نما یا کسره اضافه الزاماً همه‌جا رعایت می‌شود، در این موارد به ویرگول نیاز نبود؛ زیرا فقدان کسره به معنی توقف تلقی می‌شود: باغ سیب فراوان دارد.)

بین دو کلمه‌ای که ممکن است اشتباهاً یک کلمه ترکیبی خوانده شود:

(-) غلام‌عباس را دید. از علی محمد و ناصر عیادت کردم.

(+) غلام، عباس را دید. از علی، محمد و ناصر عیادت کردم.

بین تکرار کلمه (صرفاً تکرار و نه ترکیب):

(-) او مدعی بود که خانه خانه اوست.

(+) او مدعی بود که خانه، خانه اوست. بنابراین، در جمله‌ای مانند «کودک دوان دوان آمد»، که قید ترکیبی است، به ویرگول نیاز نیست.

- قبل و بعد از جمله صله غیرتجدیدی: (-) مجله آموزش رشد فیزیک که دارای مقالات علمی است آماده توزیع شد.

(+) مجله آموزش رشد فیزیک، که دارای مقالات علمی است، آماده توزیع شد.

توضیح: جمله صله در حکم صفت است. اگر موصوف با آن محدود نشود صله غیرتجدیدی است و می‌توان آن را حذف کرد؛ بدون اینکه جمله ناقص شود: مجله آموزش رشد فیزیک آماده توزیع است. اگر موصوف با آن محدود نشود صله تجدیدی است و نمی‌توان آن را حذف کرد، وگرنه جمله ناقص می‌شود:

(-) مجله‌ای، که همراه دارم، آموزش رشد فیزیک است.

(+) مجله‌ای که همراه دارم آموزش رشد فیزیک است.

در این صورت به ویرگول نیاز ندارد. بین کلمات و جملات هم‌نقش:

کتاب، دفتر، قلم و مدادش گم شد/ اینجاست (در نقش فاعلی/ مسندالیهی). پدر، مادر، برادر، خواهر، سلامم را بپذیرید (در نقش منادا).

پدر دانا، تحصیل کرده، پرتلاش و مهربان او آمد (در نقش صفت). راننده اتوبوس، آرام، با احتیاط، دقیق و ساکت جلو می‌رفت (در نقش قید).

پدر از اینکه می‌دید فرزندان بزرگ شده، دانشگاه رفته و سپس شاغل شده‌اند، احساس آرامش می‌کرد (در نقش جملات مفعولی).

توضیح: در زبان فارسی، معمولاً آخرین کلمه یا جمله هم‌نقش را، به تبعیت از الگوی فرانسوی - آلمانی، با «و» مشخص می‌کنند (در الگوی انگلیسی - که در فارسی رایج نیست - قبل از «و» ویرگول هم می‌آورند). در متون سنتی به جای این ویرگول‌ها «و» تکرار می‌شده است: خداوند حکیم و دانا و تواناست.

استفاده از «و» و بدون آن، در متون شعری به اقتضای وزن و ضرورت‌های دیگر شعری، به هر دو صورت دیده شده است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

به قدر هر سکون راحت بود بنگر مراتب را دویدن رفتن استاندان نشستن خفتن و مردن

گاهی دو به دو یا سه به سه نشانه‌گذاری می‌شوند (به اعتبار اشتراکات بیشتر): رودکی و شهید بلخی، خاقانی و نظامی، همچنین سعدی و حافظ از مفاخر ادب ایران‌اند.

پس از گروه قیدی (در آغاز جمله) و پیش و پس آن (در میان جمله): به علاوه (وانگهی، علی ای حال، بنابراین)، چاره‌ای نداشت.

پس از توزیع اوراق، دانش‌آموزان برای پاسخ‌دادن سی دقیقه فرصت داشتند.



دانش‌آموزان برای پاسخ‌دادن، پس از توزیع اوراق، سی دقیقه فرصت داشتند. برای جدا کردن بدل یا عطف بیان، جمله توضیحی و جمله معترضه: محمدبن زکریای رازی، کاشف‌الکل، از دانشمندان بزرگ ایران است.

آثار سعدی، به خصوص گلستان، نمونه برجسته‌ای از سخن بلیغ فارسی است. امام علی، صلوات‌الله‌علیه، حقیقتی بر گونه اساطیر بود (معترضه دعایی).

برادر مدیر شرکت، که هم‌اکنون کنارش نشسته است، دانشجویست (معترضه غیردعایی).

(در این موارد، از نیم‌خط هم استفاده می‌شود.)

بین جمله قیدی (پیرو) و جمله اصلی (پایه):

همین که سؤالات توزیع شد، سکوت سالن را فرا گرفت.

تا مطالعه کتاب را تمام نکرد، نخواهید. هرچند هوا سرد بود، خودش را به جلسه رسانید.

بین اسم یا ضمیر و کلمه یا جمله هم‌نشین آن‌ها:

احمدی، شاغل در دبستان روبه‌رو، بازنشسته شد.

او، شاغل در دبستان روبه‌رو، بازنشسته شد.

به جانشینی محذوف:

سال اولی‌ها سر کلاس رفتند و سال دومی‌ها به زمین بازی، تا معلمشان از راه برسد.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ، نشانی، مشخصات (کتاب و...):

شنبه، یکم خرداد ۱۳۸۷

تهران، خیابان پاسداران، کوی هشتم، شماره ۱۶

سمیعی (گیلانی) احمد، نگارش و ویرایش، سازمان سمت، چ ۷، ۱۳۸۵، تهران

پس از نقل قول مستقیم:

«من بی‌گناهم»، این آخرین جمله دفاعیه‌اش بود.

بین اعداد:

در سال ۱۳۸۷، ۲۵۶ نفر در این

دبیرستان ثبت نام کرده‌اند.

(می‌توان یکی از آن‌ها را حروفی نوشت: در سال ۱۳۸۷ دویست و پنجاه و شش نفر... یا بین اعداد فاصله انداخت: در سال ۱۳۸۷، در این دبیرستان ۲۵۶ نفر...)

مواد ۲، ۸، ۱۵، ۳۱ این مصوبه بازنگری شد.

(در کتاب‌های اختصاصی ریاضی و مشابه آن‌ها اعداد از سمت چپ نوشته می‌شوند، چه فارسی و چه لاتین، با این توضیح که از ویرگول معکوس استفاده می‌شود: ۱،۲،۳/۲،۳)

برای رفع ابهام:

کتاب‌ها، و مجلاتی که ماهانه منتشر می‌شوند موجب ارتقای فرهنگی شده‌اند.

(بدون ویرگول، جمله مبهم می‌شود و گویی کتاب‌ها هم ماهانه منتشر می‌شوند.)

تبصره: در موارد زیر، به کارگرفتن ویرگول نیاز نیست:

صله تحدیدی از جمله پایه:

(+) مسئله‌ای که مطرح شد تازگی داشت.

(-) مسئله‌ای، که مطرح شد، تازگی داشت.

بین نهاد و گزاره (جمله اسنادی، جمله فعلی)، در صورتی که فاقد توضیح و تأکید باشد:

(+) نیما شاعر نوپرداز ایران است / پرویز آمد.

(-) نیما، شاعر نوپرداز ایران است. / پرویز، آمد.

پیش از اولین عضو یک مجموعه هم‌نقش:

(+) اقدام دوستانه، مؤثر، به‌موقع و سریع مدیر شرکت قابل تقدیر است.

(-) اقدام، دوستانه، مؤثر، به‌موقع و سریع مدیر شرکت قابل تقدیر است.

- جمله‌های کوتاه با پیرو قیدی (در آغاز یا پایان آن)

(+) اگر بینی خواهی پسندید. خوشحال می‌شوم اگر بیایی.

(-) اگر بینی، خواهی پسندید. خوشحال می‌شوم، اگر بیایی.

اگر پیرو قیدی میان جمله قرار گیرد به ویرگول نیاز دارد:

دوست من، اگر بینی، خواهی پسندید. مطمئنم، اگر بیایی، پشیمان نمی‌شوی.

- علامت نقطه ویرگول (: و وظیفه

اصلی: درنگ متوسط (نام‌های دیگر: نقطه‌بند، جدایی‌نما، درنگ

نقطه): این علامت برای توقف متوسط و نزدیک به توقف کامل به کار می‌رود. در

مقایسه آن با علامت ویرگول، می‌توان گفت نقطه ویرگول آنجا گذاشته

می‌شود که ویرگول نباید گذاشت. همچنین به منظور آزمون نقطه ویرگول،

اگر به جای نقطه بگذاریم، معمولاً بجا و درست است.

برای جدا کردن کلمات یا جملات متعدد هم‌پایه در عبارتی که خود نشانه‌های

دیگری (بیشتر ویرگول) نیز دارد:

نفر اول، که از شاگردان ممتاز کلاس بود، انشایش را خواند؛ نفر دوم، که دیر

رسیده بود، اعلام آمادگی کرد و او هم انشایش را خواند؛ نفر سوم، که قبل

از ورود به کلاس به من گفته بود در صورت امکان برای خواندن انشا صدایش

کنم، نیز انشای خود را خواند؛ سپس در جمع به نقد و بررسی محتوای هر سه

انشا پرداختیم.

در بیان تقابل:

از یک طرف به توصیه‌های مکرر معلم توجه نمی‌کرد؛ از طرف دیگر اصرار داشت نمره مطلوب دریافت کند.

در بیان مثال و توضیح، معمولاً پیش از کلمات «مثلاً»، «یعنی»، «مانند» و به عبارت دیگر:

عدد ۷ عددی اول است؛ یعنی مقسوم‌علیه‌ی جز ۱ و ۷ ندارد.

به جای نقطه (پیش از جمله‌ای که با «واو» عطف آغاز شود یا نهاد اختیاری

آن به قرینه حذف شده باشد):

پژوهشگر، اگر کارش میدانی باشد، به نتایج خاصی دست می‌یابد؛ و اگر کتابخانه‌ای باشد، نوع نتایج به‌گونه‌ای

دیگر خواهد بود.

گلستان سعدی دارای نثر مسجع است؛



پی‌نوشت‌ها

۱. علامه قزوینی دربارهٔ تعریف سجاوندی می‌گوید: «آنچه علامات و رموز در قرآن‌ها برای علامت انواع وقف از واجب و مستحسن و ... یا عدم وقف مطلق و سایر علامت و رموز در قرآن‌های خطی و بسیاری از قرآن‌های چاپی می‌نوشتند و هنوز هم در بعضی می‌نویسند، مجموع این‌ها را روی هم‌رفته **سجاوندی** گویند. سجاوندی کردن کنایه از منقش کردن و سجاوند شدن مصحف و سجاوندی کردن به شجر و آب طلا نوشتن و نوشته شدن آیات قرآنی است. سجاوندی کتابی است در علم فرائد که در آن برای علامات اوقاف [نشانه‌های وقف] نقطه‌های طلا گذارند. این اصطلاح فقط در ایران و سایر بلاد شرقی ممالک اسلامی معمول شده بود و هنوز دوام دارد. چون مخترع این علامات و رموز از اهل سجاوند از محال [محلها] غزنین - که یکی از شرقی‌ترین بلاد اسلام است - بوده [از این‌رو این علامت‌ها به سجاوندی مشهور شده است]. یادداشت‌های قزوینی، ج ۵ ص ۷۱ ربه نقل از کتاب انواع ویرایش، ص ۲۴۳. ابوالفضل محمدبن ابویزید سجاوندی از دانشمندان علم فرائد (ف: ۵۱۰ ق) است که نشانه‌هایی برای وقف و وصل برنهاد. کتاب‌های «الوقف» و «الوقف والابتداء» از آثار مشهور

اویند (بر ساحل سخن، ص ۱۵۱)

۲. معادل اصطلاح غربی punctuation

۳. بعضی از نویسندگان در این موارد برای اعلام وقف از نشانهٔ سکون استفاده می‌کنند: کتاب دوست ماست، اما اشکالی که دارد آن است که به این صورت غالباً می‌توان آن را یک اسم یا صفت مرکب نیز خواند (کتاب دوست). به‌نظر می‌رسد در مواردی که به برداشت دیگری منجر نشود از این نشانه (سکون) هم می‌توان کمک گرفت.

۴. بنا به توصیهٔ استاد احمد سمیعی در یکی از جلسات شورای ویرایش سازمان

۵. از جمله: نگارش و ویرایش و شیوه‌نامهٔ دانش‌نامهٔ جهان اسلام، از استاد احمد سمیعی، راهنمای ویرایش، از دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده، شیوه‌نامهٔ دائرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران، از هومن عباسپور، انواع ویرایش، از ابوالفضل طریقه‌دار و بر ساحل سخن، از سیدابوالقاسم حسینی (زرفا)

۶. استفاده از قلم‌های متنوع حروف‌نگاری (سیاه، ریز، کج، موج‌دار...) و چاپ رنگی بخش‌هایی از متن، همچنین کوتاه کردن سطرها برای برجسته‌سازی کلمات یا عبارات بسیار کارسازند و به‌گونه‌ای نشانه‌گذاری تلقی می‌شوند. به‌کارگیری صحیح چنین امکاناتی از حجم بعضی علائم نشانه‌گذاری (گیومه...) نیز می‌کاهد.

۷. شیوه‌نامهٔ دایرةالمعارف پزشکی اسلام و ایران، ص ۹۸ به بعد.

۸. مکث و توقف‌های کلمات در جمله چهار قسم‌اند: یکم - توقف طبیعی و معمولی (کتاب را خواندم) در این جمله بعد از «کتاب» و «را» مکثی طبیعی وجود دارد، که به علامت خاصی نیاز ندارد. دوم - توقف کوتاه (سرانجام، به آرزوی رسید) که با علامت ویرگول نشان داده می‌شود. سوم - توقف متوسط (فرزندم، صرفه‌جویی و پس‌انداز را فراموش نکن؛ قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود) که با نقطه ویرگول مشخص می‌گردد. چهارم - مکث یا توقف کامل (تمرینات را حل کردم) که با نقطه نشان داده می‌شود.

۹. در جملات پرسشی و تعجبی نیز اسناد تحقق می‌یابد و به نقطهٔ پایانی نیاز دارند. با این توضیح که نشانه‌های پرسش و تعجب (!؟)، علاوه بر نقطه بخش تکمیلی نیز دارند.

(+) کارشناس برنامه‌ریزی درسی گفته است: محتوای تألیف پیشنهادی را امروز در جلسه بررسی می‌کنیم.

(+) خواجه عبدالله انصاری گوید: آن ارزی که می‌ورزی.

(-) به دانش‌آموزان خواهیم گفت: که این هفته امتحان می‌گیرم.

(-) به دانش‌آموزان خواهیم گفت که: این هفته امتحان می‌گیرم.

برای آوردن توضیح در بیان و تأیید آنچه پیش‌تر ذکر شده است:

بالاخره تلاش‌های شبانه‌روزی فرزندان به ثمر نشست: او در دانشگاه قبول شد.

پیش از مجموعه‌هایی از شواهد و مثال‌ها و تقسیمات و اجزا:

ارکان تشبیه چهار است: مشبّه، مشبّه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه

به جای «یعنی» و در معنای آن:

پیکار: جنگ

تبصره ۱: در صورتی که شواهد و مثال‌ها با کلماتی مانند «نظیر، مثل، مانند...» مضاف واقع شوند، به «این نشانه» نیاز نیست:

(+) کلمه در دستور زبان فارسی انواعی مثل اسم، فعل، صفت، قید و... دارد.

(-) کلمه در دستور زبان فارسی انواعی مثل: اسم، فعل، صفت، قید و... دارد.

باب‌های متعددی دارد.

در پایان هر یک از اجزای مجموعه‌ای که به‌صورت جمله نیامده باشند:

معلم: هر یک از شما سه نفر، به ترتیبی که می‌گوییم، یک مقاله را به اختصار

بازنویسی و در کلاس انشا قرائت کنید: نفر اول مقاله الف؛ نفر دوم مقاله ب؛ نفر سوم مقاله ج.

تبصره: بین جمله‌های معطوف، اگر فعل به قرینه حذف شده باشد، نقطه

ویرگول گذاشته نمی‌شود.

دبیر کارگروه تخصصی فیزیک متن دست‌نوشته کتاب سال سوم مؤلف را

جهت بررسی در اختیار اعضا گذاشت و دبیر کارگروه تخصصی ریاضیات متن دست‌نوشته کتاب ریاضی سال دوم مؤلف

را، سپس، بررسی محتوایی آغاز شد.

تقسیم و تعدیل ویرگول‌ها در یک جمله

یا عبارت:

باید در هر یک از کتاب‌های درسی، مانند فارسی، تاریخ، جغرافیا، فیزیک، شیمی؛ اهداف رفتاری، متن اصلی، متن فرعی، تمرینات و... پیش‌بینی شود.

– علامت دو نقطه (:): وظیفهٔ اصلی: توضیح و تفسیر (نام‌های دیگر: هشدارنما، نشان تفسیر)

– قبل از نقل مستقیم (اگر حرف ربط «که» نداشته باشد):

ادامهٔ مطلب در وبگاه مجله